

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

سه شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۱۴ - ۵ محرم ۱۳۵۴

شماره مسلسل : ۱۷۹

قیمت اجزاء } مالیات  
داخه : ۲۵ ریال  
خارج : ۱۰۰ ریال  
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۱۴ ( ۵ محرم ۱۳۵۴ )

## فهرست مذاکرات

- ۱ ( تصویب صورت مجلس )  
 ۲ ( شور و تصویب يك قسمت از مواد قانون مدنی از کتاب هشتم از ماده ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۰ )  
 ۳ ( شور و تصویب لایحه استخدام چهار نفر متخصص بطاری و فلاحات )  
 ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز شنبه ۱۷ فروردین ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

- [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ( اظهاری نشد )  
 صورت مجلس تصویب شد  
 [ ۲ - شور و تصویب يك قسمت از مواد قانون مدنی از کتاب هشتم از ماده ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۰ ]  
 رئیس - خبر از کمیسیون قوانین عدلیه راجع بکتاب هشتم از قانون مدنی ( بشرح ذیل قرائت شد )  
 خبر از کمیسیون قوانین عدلیه بمجلس مقدس شورای ملی  
 ۱۱۵۸  
 کمیسیون قوانین عدلیه در جلسه اخیر خود با حضور آقای وزیر عدلیه لایحه پیشنهادی تحت نامه ۸۴۳ آن وزارتخانه را تحت شور و مذاقه قرار داده پس از مذاکرات لازمه بالاخره مواد پیشنهادی با اصلاحاتی تصویب و ابلاغ خبر آن را برای تصویب قطعی مجلس شورای ملی تقدیم میدارد  
 رئیس - مذاکره در کلیات است . آقایانی که موافقت قیام فرمایند . ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد . ماده

این مذاکرات مشروح بکصدوسی و پنجصد و پنجاه و یک جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰ )  
 دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : نازی - فرش - شیرازی - احمدی - کازرویان - عراقی - اعظم زنگه - حمزه تاش وکیل - مسعود تاشی - یونس آقا و عابدی - شریعت زاده - کورس - مدلل - پور سرربی  
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : اسفندیاری - دکتر ادهم - نوبخت - منصف - وکیلی - فراگراو - پتکدار - همراه

کتاب هشتم در اولاد

باب اول

در نسب

ماده ۱۱۵۸ - طفل متولد در زمان زوجیت ملحق بشوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد

رئیس - اشکالی نیست. آقایان که با ماده ۱۱۵۸ موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۵۹

ماده ۱۱۵۹ - هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق بشوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد.

رئیس - آقای دیا

طباطبائی دیا - در این ماده این استثنائی که شده مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد بنده عقیده ام این است که آقای وزیر عدلیه راجع باین ماده يك توضیحات کافی بدهند تا رفع اشتباه بشود. چون می بینم بعضی از آقایان يك اشتباهی در این ماده دارند وزیر عدلیه (آقای صدر) - قواعدی که در حمل زن در

شرح رعایت شده و همینطور هم دلائل طبي بر طبق آن هست این است که طفل کمتر از شش ماه زنده متولد نمیشود پس واقی که طفل متولد شد و شش ماه هم از او گذشته است این ملحق میشود بهمان فراش و همان شوهری که زن دارد و همچنین بیش از ده ماه هم زن حمل را نگاه نمیدارد حداکثرش ده ماه است پس اگر ناده ماه زنی حمل داشت این ملحق میشود به شوهری که ناده ماه قبل شوهر او بوده است. ولی اگر ماه یازدهم بدنیا آمد دیگر نمیشود طفل را با ملحق کرد. بنا بر این

منظور این ماده این است که اگر بیش از ده ماه نگذشته باشد طفل ملحق است بشوهری که زن داشته و نکاح او منحل شده به یکی از علل یا به طلاق یا به نسخ و یا به نقل مدت بجز چه. یعنی اگر بیش از ده ماه گذشته باشد دیگر نمی توان باو الحاق کرد بجهت این که دیگر تصور نمیرود که از او حلی را نگاهداشته باشد. پس طرف اقل شش ماه ملاحظه شده است و در طرف اکثر ده ماه رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۵۹ موافقت دارند برخیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۰ فراتت میشود

ماده ۱۱۶۰ - در صورتیکه عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل بشوهری ملحق میشود که مطابق مواد قبل الحاق او بآن شوهر ممکن است در صورتیکه مطابق مواد قبل الحاق طفل به دو شوهر ممکن باشد طفل ملحق بشوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعیه بر خلاف آن دلالت کند.

رئیس - آقایانیکه با این ماده موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند) تأمل بفرمایید... تصویب شد. این قانون مدنی که از مواد زیاد تشکیل شده و غالباً هم محل بحث نیست برای اینکه چیزهای محقق و مطابق قانون اساسی است خسته نشوند آقایان در رأی دادن و بنده را به تکلف نیندازند. (صحیح است) ماده ۱۱۶۱. ماده ۱۱۶۱ - در مورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسوع نخواهد بود.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۶۱ موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۲ فراتت می شود.

ماده ۱۱۶۲ - در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی میباشد اقامه

گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء ده ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسوع نخواهد بود رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۶۲ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۳ ماده ۱۱۶۳ - در موردی که شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند بنوعی که موجب الحاق طفل باریا باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود.

رئیس - اشکالی نیست. موافقت با ماده ۱۱۶۴ قیام نمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۴.

ماده ۱۱۶۴ - احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است اگر چه مادر طفل مشتبه نباشد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم تقاضا کنم توضیحی در این ماده ۱۱۶۴ داده شود که مقصود از اینکه اگر چه مادر طفل مشتبه نباشد چیست!

وزیر عدلیه - مقصود از این ماده این است چون يك وقت هم بستری به شبهه حاصل می شود مابین دو نفر یا عقدی که شده فاسد شده ولی طرفین تصور می کنند که صحیح است یا این است که شبهه در موضوع میشود خیال میکنند با حلال خودش نزدیکی میکنند بعد معلوم میشود که نبوده چون بعقیده مشروعیت هم بشر شده است این طفل ملحق میشود به پدر. مورد مثل زنا نیست که الحاق پیدا نمیکند این را میکوبند ملحق میشود و نسب مشروع است

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۶۴ موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۶۵

ماده ۱۱۶۵ - طفل متولد از نزدیکی بشبهه فقط ملحق بطرفی میشود که در اشتباه بوده و در صورتیکه هر دو در اشتباه بوده اند ملحق بهردو خواهد بود

رئیس - آقای امیر قیومور

امیر قیومور کلالی - بنده هرچه دقت کردم مفهوم این ماده را نفهمیدم از ظاهر عبارت این طور استنباط میشود که اگر موضوع شبهه باشد این طفل منافی به دو پدر میشود (دیبا - نه آقا به مادر) خوب اگر اینطور است باید توضیح بدهند و رفع این اشتباه بشود. چون در پائین هم مدنی صحبت کردیم اغلب آقایان هم در شبهه بودند

وزیر عدلیه - در این مواد صحبت از دو پدر نیست

یعنی زنی باشد که دوشوهر کرده باشد مقصود اینست يك وقت شوهر مشتبه است که بازن غیري بخيال زن خودش هم بستری کرده. يك وقت زن در این امر مشتبه است يك وقت هر دو مشتبه اند. يك وقت هیچکدام مشتبه نیستند.

اگر هیچکدام مشتبه نیستند که نسبت بهیچکدام نمیرسد هیچ حکمی هم ندارد این را هم عرض کنم که مسئله تشخیص در احکام است و الا مسلم است که طفل از این زن زائیده شده. از جهت طبیعی اشکالی نیست. اشکال از جهت احکام است. یکی حکم اوت است یکی حکم حلث و حرمت نکاح است. در اقربای اینها اثر دارد اگر هر دو مشتبه اند نسبتش به هر دو مشروع است هم اوت میبرد از هر دو هم باقربای طرفین آن در جانی که نکاح حرام است حرام میشود. و اگر بيك طرف مشتبه است بطرف دیگر مشتبه نبوده است نسبت بآن کسی که مشتبه بوده حکم مشروعیت جاری میشود و نسبت بآن که مشتبه نبوده حکم نسبی داده نمیشود و اثبات نمیشود.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۶۵ موافقت دارند برخیزند (کروهي برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۶

ماده ۱۱۶۶ - هرگاه بواسطه وجود مانعی نکاح بین ابویین طفل باطل باشد نسب طفل بهر يك از ابویین که جاهل بروجود مانع بوده مشروع و نسبت بدبگری نامشروع خواهد بود.

رئیس - آقایانی که باماده ۱۱۶۶ موافقت دارند برخیزند (جمع برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۷ - طفل متولد از زنا ملحق بزانی نمیشود. رئیس - آقایانی که باماده ۱۱۶۷ موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۸ - باب دوم

در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸ - نگاهداری اطفال هم حق وهم تکلیف ابویین است.

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۱۶۸ موافقت دارند برخیزند (گروهی برخاستند) تصویب شده. ماده ۱۱۶۹

ماده ۱۱۶۹ - برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حضانت باید بر است مگر نسبت باطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آنها بامادر خواهد بود.

رئیس - آقایانی که باماده ۱۱۶۹ موافقتند برخیزند (عددی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۰

ماده ۱۱۷۰ - اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا بجنون شود یا بادیگری شوهر کند حق حضانت باید بر خواهد بود

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده يك توضیحی در این ماده می خواهم اگرچه بیشتر مربوط بماده قبل است و آن این است که البته بر حسب حکم صریح شرع حضانت طفل در صورتیکه پسر باشد تا دو سال بامادر است و در صورتی که دختر باشد تا هفت سال ولی غالباً در عمل دیده شده است در این فصل ها و طلاق ها که اتفاق می افتد بین زن و مرد فرض کفایت طفلی پسر است. درست است که تا دو سال بیشتر

لازم دارد بعد از طفل يك كاهه (را) كسر دارد وزیر عدلیه - درست است

رئیس - آقای وزیر عدلیه، موافقت دارند. آقای غیر؟ مخبر - موافقم

رئیس - رای میگیریم بماده ۱۱۷۲ با اصلاح افزایش كاهه (را) آقایانی که موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۳

ماده ۱۱۷۳ - هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می تواند تقاضای اقبای اقربای طفل یا بتقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند

رئیس - آقایانی که ماده ۱۱۷۳ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۴

ماده ۱۱۷۴ - در صورتیکه بعلت طلاق یا بهر جهت دیگر ابویین طفل در يك منزل سکونت نداشته باشند هر يك از طرفین که طفل تحت حضانت او نمیشود حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه بآن در صورت اختلاف بین ابویین با محکمه است.

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۱۷۴ موافقت دارند برخیزند (گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۵

ماده ۱۱۷۵ - طفل را نمی توان از ابویین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۷۵ موافقتند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۶

ماده ۱۱۷۶ - مادر مجبور نیست که بطفل خود شیر بدهد مگر در صورتیکه تغذیه طفل بغير شیر مادر ممکن نباشد

رئیس - آقای دیبا

دیبا - در این ماده تصریح شده در صورتیکه تغذیه

طفل بغير شیر مادر ممکن نباشد مادر مجبور است که بطفل شیر بدهد ولی بنده در فقه دیده ام تصریح دارد که شیر دادن مادر بجای نیست و مادر میتواند اجرة معالجه کند. بنده عقیده ام این است که مسئله اجرت در اینجا تصریح شود و با این ترمیم اگر ماده تصویب شود ممکن است در يك موردی مادر شیر بدهد ولی پدر اجرت او را ندهد.

وزیر عدلیه - مسئله اجرت در موردی است که نخواهد شیر بدهد آنوقت البته حق مطالبه اجرت دارد ولی اگر بخواهد با اجرت یا بی اجرت شیر بدهد در این صورت نمی توان او را ملزم کرد که شیر بدهد. و اگر در موردی که طفل ناچار باید شیر مادر بخورد یا پدر ندارد یا حاضر نمیشود دایه بگیرد یا بجهت دیگر مثلاً شهرکاو ممکن نیست با او بدهد یا آنکه مضرات دیگر در کار است بالاخره طفل که نباید بمیرد. در این جا مادر یا با اجرت یا بی اجرت باید شیر بدهد. در این جا نظر با اجرت نیست مقصود التزام بدادن شیر است چون طفل بی غذا نباشد بماند و تلف شود.

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۱۷۶ موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۷

ماده ۱۱۷۷ - طفل باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی که باشد باید بآنها احترام کند

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - این ماده خیلی خیلی خوب ماده است لکن اگر آمد و احترام نکرد آنوقت چه میشود؟ این ماده فقط این است که امر می کند و مطلب را بیان و اعلام میکند که طفل در هر سنی که باشد باید بوالدین خود احترام کند ولی اگر نکرد چه میشود. نتیجه اش لغو و معلوم نیست چه میشود؟! وزیر عدلیه - اولاً اگر طفل در حد صباوت است و در موقعی است که باید او را تربیت کرد که به پدر حق داده

شده است او را تربیت کند و کتک بزند بهر شکل حق نادبب او را دارد بطوری که در ماده بعد خواهد آمد و اگر بزرگ شده است ولو آنکه از حد گذشته است باز باید اطاعت کند. اینها يك اعلانات قانونی است که در حقیقت از طرف جامعه میشود و باید که اولادهم تکالیف خودشان را بدانند هر ماده قانون لازم است که يك تضمینات اجرایی و جزایی داشته باشد. این يك اعلاناتی است.

رئیس - آقای امیر

السر - بنده موافقم. در قانون دیگر هم که گذشت آقای وزیر عذابه تذکر دادند و فرمودند که در تمام دنیا هم همینطور است که قوانین و مواد حتماً لازم نیست جزا داشته باشد و اشکالی ندارد.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۷۷ موافقت بر خیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۸

ماده ۱۱۷۸ - ایون مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل گذارند.

رئیس - اشکالی نیست. آقایانی که با ماده ۱۱۷۸ موافقت بر خیزند (گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۹

ماده ۱۱۷۹ - ایون حق تنبیه طفل خود را دارند ولی باستناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند.

رئیس - آقایان موافقین با ماده ۱۱۷۹ بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۰ فرات

میشود باب سوم - در ولایت قهری پدر وجد پدری

ماده ۱۱۸۰ - طفل صغیر تحت ولایت پدر وجد پدری خود می باشد و هم چنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتیکه عدم رشد یا مجنون او متصل به صغیر باشد

عدم ادا نشدن معامد شد تضمینات فالدم ندارد زیرا آوقت کار را بهمان کسی می گذارد که در حقیقت کار را از دست او باید عملاً بگیرند. بنا بر این این ماده يك اساس دارد. بنده میخواهم باین ترتیب هم اگر آقایان موافقت اصلاح فرمایند:

ماده ۱۱۸۴ - هرگاه ولی قهری طفل ایات اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او (اینجا مزبور او باید شود) مرتکب حیث و میل گردد بعد از ثبوت عدم لیاقت و خیانت او در اموال مولی علیه بطرفیت مدعی العموم در محکمه (یعنی ثبوت خیانت او بطرفیت مدعی العموم) طبق ماده ۷۹ این قانون حاکم يك نفر امین بولی منضم میکند. بعد آن قسمت بمدش درست است

رئیس - آقای طباطبائی دینا

طباطبائی دینا - بنده باین اصلاح موافقم

رئیس - آقای جشیدی

جشیدی - بنده هم با این اصلاحی که شد فعلاً عرضی ندارم.

رئیس - بگم تریه دیگر آقای غیر ماده اصلاح شده را میخواهند و رای میگیریم:

(آقای مؤید احمدی بترتیب ذیل فرات نمودند)

ماده ۱۱۸۱ - هرگاه ولی قهری طفل ایات اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او مرتکب حیث و میل گردد محکمه مکلف است بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای مدعی العموم به باز ثبوت عدم لیاقت یا خیانت او در اموال مولی علیه بطرفیت مدعی العموم در محکمه طبق ماده ۷۹ این قانون حاکم يك نفر امین بولی منضم می کند. همین حکم در موردی نیز جاریست که ولی طفل بواسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر باداره کردن اموال مولی علیه نباشد

رئیس - آقای جشیدی فرمایشی داشتند؟

جشیدی - اصلاحی را که حضرت آقای وزیر عدلیه

فرموده بودند غیر از آنچه می است که اینجا آقای مؤید احمدی فرات فرمودند برای اینکه این جا اولاً نوشته شده بود بتقاضای اقربای طفل. میدانید درین فامیله اغلب يك کدورتها می است و ممکن است روی این نظریات يك سوابقها نسبت بیکدیگر بکنند باین جهت در اینجا این اصلاحی که فرموده بودند عنوان همان طرفیت مدعی العموم بود یعنی مدعی العموم بهر رسبکه رهبر راهی تحصیل اطلاع بکند که ولی طفل ایات اداره کردن را ندارد. ام از اینکه همان اقربای او این را بپرت را داده باشند یا از يك راهها و بگری دیگری تحصیل این اطلاع را کرده باشد کافی است که مدعی العموم اقامه دعوی در محکمه بکند یکی دیگر عنوان کبر سن را برای ولی قرار داده اند نوشته اند ولی طفل بواسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر باداره کردن اموال مولی علیه نباشد ولی طفل در اکثر و اغلب موارد همان علاقه را که در حفظ مال خودش دارد در حفظ مال صغیر هم دارد هیچ اقربای نمی کنند از این حیث اگر يك شخصی من است در حفظ مال خودش دارایی خودش چه خواهد کرد؟ کوتاهی که نمیکند. البته چون علاقه مند است خودش برای خودش يك امیني يك مباشری خواهد گرفت در این جا هم همینطور است (صحیح است) در صورتیکه نسبت باموال مولی علیه خودش بتواند بواسطه کبر سن اداره کند آنچه يك نفر امین با مدعی العموم یا دیگری با خودش ضمیمه میکند و بقیه بنده نباید زیاد دخلت در امور شخصیه مردم کرد (صحیح است) فقط در مواردی که در شرع مقدس اسلام هم هست مسئله حیث و میل است و تفریط و تعدی است (صحیح است) غیر از این چیز دیگری نیست والا همان علاقه که شخص بتنگهداری اموال خودش دارد در اغلب و اکثر موارد اینطور است که نسبت بمال مولی علیه خودش نیز دارد فرق نمیکند بنده عقیده ام این است که همانقدر بطور اختصار ماده که سابقاً خود آقای وزیر عدلیه از مجلس گذرانده بودند و بنده الان آن

و اقرائت میکند این خودش کافی است. ماده واحده است که در دراول آذرماه از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است. ولی قهری پدر با جد هر گاه در مقام اتلاف مال صغیر یا بجنون باسقیه باشد بعد از ثبوت خیانت او نسبت باموال مولی علیه بطرفیت مدعی العموم در محکمه مثل مورد ماده ۷۹ قانون مدنی حاکم یک نفر است. این بولی منضم می کنند. (صحیح است) در این گونه از موارد هم بقبضه بنده باید مینظرند کرد و این خود کافیست (صحیح است) و الا اگر بنا باشد ما این را خیلی کش بدهیم نازه راجع بفسدت اینکه بگوئیم فلان زید لایق و کفایتی هست یا نیست این خودش یک بحث بزرگی پیدا خواهد کرد (صحیح است) و این تشخیص چقدر مشکل است یا فلان زید چون کبر سن دارد نمی تواند در اموال مولی علیه خودش دخالت کند با آنها را نگاهداری و تحفظ کند و این خیلی دامنه و توسعه پیدا می کند (صحیح است) و این دخالت در اموال مردم است دخالت در اموال زندگانی مردم است (صحیح است) و کاره مشکلی است هر چه این ماده جمع تر بشود بقبضه بنده بهتر است (صحیح است) این بود خلاصه عرایض بنده

**ولیر عدلیه** - این ماده از جهت مطالب هیچ قتافی با آن ماده سابق ندارد بعد از آن اصلاحی که شده است مفاد و مطالبش عیناً همان است الا اینکه یک قسمت در این ماده بآن ملحق شده است در حکم و آن در صورتی است که پدر یا جد بیجتهی یا بمرض یا بواسله کبر سن البته کبر سن که عجز نیارود (هر کبر سنی که عجز نمی آورد) خیلی اشخاص کبیرالن هستند که تقاضا را بشان کاری می کنند و محتاج باعمال قوه بدنی نیستند و ای اگر از همه جهت عجز پیدا کرد و این هم در ماده بطور مثال ذکر شده است کبر سن و مرض و یا بیجهت دیگری نتوانست اداره کند امور مولی علیه خودش را این جاهم باید ضم همین بشود این ملحق شده است در حکم آن ماده سابق در واقع و مجموع شده است دو ماده

خودش مدعی العموم حق دارد تقاضای عزل او را بکند در این مورد هم اینطور بشود اما اینکه اقربا خودشان حق داشته باشند عرض حال بدهند. خبر رایرت بدهند به مدعی العموم و مدعی العموم هم اقامه دعوی بکند طرفیت مدعی العموم باشد نه اقربا زیرا آنوقت دامنه اش خیلی توسعه پیدا می کند و اسباب زحمت میشود الا آن که بار که بدایت فقط در قسمت امور قیمین دارد دخالت می کند واقفاً اگر بخواهند نظارت به منای آنها بکنند پنج تا وکیل عمومی در خود طهران می رسد یا بنکار بنده اطلاع دارم و حالا ما هر چه این را دامنه اش را توسعه بدهیم اسباب زحمت خود محاکم هم می شود بنا بر این بنده عقیده ام این است که آن یک نفر از اقربای مولی علیه این شخص اگر خیلی دلسوز است اگر واقفاً علاقه مند است غرض و مرضی ندارد این را برود به مدعی العموم بگوید و اگر او صلاح دید اقامه دعوی بکند در محکمه مقصود از عرض بنده این است

**ولیر عدلیه** - باز بنده عرض میکنم حالا کم کم عقبه بنده این است که بهتر این است که اینطور باشد یعنی تقاضای اقربای طفل هم مدخلیت داشته و اختیار مطلق در اقامه دعوی با مدعی العموم نباشد. هر چند محاکمه تماماً بطرفیت مدعی العموم خواهد بود در ماده هم مینظرند تصریح شده است ولی چه ضرر دارد که اقربا هم حق داشته باشند این شکایت را به محکمه بکنند و اینقدر را هم حق داشته باشند ضرری ندارد و با وجود این عرض کردم باز محاکمه بطرفیت مدعی العموم خواهد بود و این توسعه داشته باشد که با مدعی العموم با اقربای طفل حق شکایت به محکمه را داشته باشند لااقل مثل مدعی خصوصی و بمنزله مدعی خصوصی باشد این بهتر است.

**ولیر** - آقای افسر  
**الحق** - عرض کنم که البته وقتی که اقربا را ماده مدخلیت دادیم خود آن شخص خیلی بیشتر ملاحظه میکند چون

میباید که زودتر آگاه میشوند تا مدعی العموم و این یک مواظبت قهری میکند چون در جاهی که مدعی العموم نباشد تا اطلاع مدعی العموم در خیانت جری تر میشود ولی آنها مدخلیت داشته باشند بهتر است و این ماده خوب است. دوم اینکه آقای جنیدی میفرماید راست است وکیل عمومی خیلی کم است ولی وقتی که جاهه می خواهد تکلیف کند نسبت با بنکرته امور باید مخارج و وسائلی که مورد احتیاج است خود وزارت عدلیه در بودجه اش پیشنهاد کند ده تا بیست تا سی تا هر قدر لازم است پیشنهاد کنند ما می خواهیم مدعی العموم و وکیل عمومی کم داشته باشیم و حقوق کم بدهیم این له بشود کار پیش نمیرود و اگر این مواظبت ها و دقتها را نکنیم بنظر بنده تکلیف خودمانرا از حد نظر جامعه ادا نمکرده ایم واقفاً باید وسائل کار را فراهم کرد و وسائل نظارت را هم بسایند فراهم کرد.

**مؤید احمدی** (خبر کدی - چون قوانین عدلیه) - عرض کنم که پیروز هم که این ماده در که بیرون مطرح شور بود در آنجا بنده تذکر دادم که در قانون سابق همینطور که آقای جنیدی خوانند ماده واحده گذشت و این حق را ما دادیم که همچنانکه فیم اگر خیانت کرد ضم همین باو بشود در ولی قهری هم این حق را دادیم در مورد خیانتش که شبهه ندارد بقبضه بنده (جنیدی - البته) و آقای ولی قهری خیانت در مال مولی علیه کرد تلف کرد و حجب و میل کرد مال صغیر را البته باید ضم همین باو بشود اما آمدیم راجع باقربا. فایده که این دارد این است که چون ملاحظه می فرمایید که آن طرفش را فرموده بعضی ها ممکن است غرض داشته باشند و زیاد هم اعمال غرض بکنند البته در فامیل ها خیلی هستند که باهم مفرضند و سوء نظر دارند و ممکن است کارهایی هم بکنند ولی از طرف دیگر باید ملاحظه کرد که بگردد از اقربا و خویش ها وقتی مطلع شدند که این دارد مال صغیر را تلف میکنند حجب و میل می کنند آنجا هالی را هم فرض کنید که بار که

بنایت ندارد در قریه دره که پار که بیست و یک نفر از اقوام سفیر  
 قهریه ولی قهری دارد مال سفیر را تفریط میکند چه ضرری دارد  
 که بپایند به محکمه پار که بگوید ولی در هر صورت محاکمه  
 بطریقت مدعی الموم است ماده اصلاحی را ملاحظه فرمائید  
 در هر صورت راپرت داده باشند چه الفریز اطلاع داده باشند  
 چه خود مدعی الموم فهمیده باشد و اطلاع پیدا کرده باشد  
 در هر صورت در محکمه بطریقت مدعی الموم اقامه دعوی  
 میشود ولی اگر غرض باشد و مدرک صحیح باشد که  
 مدعی الموم طرفیت نخواهد کرد اما اگر راست باشد هر کس  
 اطلاع داده باشد ولو مفروض هم باشد و راست بگوید  
 یا خود مدعی الموم اطلاع صحیح پیدا کند آتوقفت البته  
 مدعی الموم طرفیت میکند و اقامه دعوی میکند اما کبر  
 سن و مرض این از قبیل مثل است با اینکه فرض کنید  
 محبوس شده جنایت کرد و حبس شد آن دیگر نمی تواند  
 دخالت کند و این مثل است در هر صورت بقیه بنده  
 این شکلی که فعلا اصلاح شده بهتر از شکل اول است  
 چون شکل اول طرفیت مدعی الموم رض امین را بداند  
 نوشته بود هر قسم میخواهد تضمین بگیرد و با این  
 اصلاح بنده موافقم

**رئیس** - آقایانیکه باماده ۱۱۸۴ همراهند بطوری که  
 اصلاح شد و مورد تصدیق دولت و محترم که پیون است  
 برخیزند

(اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده ۱۱۸۵ فرات میبود  
 ماده ۱۱۸۵ - هرگاه ولی قهری طفل مجبور شود  
 محکمه مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم  
 قریه برای طفل تعیین کند

**رئیس** - مخالفی نیست آقای وزیر عدلیه  
**وزیر عدلیه** - اینجا چون ترتیب تعیین قیم با  
 مدعی الموم است بیگ ترتیب خاصی پیشنهاد میکند و  
 حاکم محکمه طرح رسمی تعیین میکند پس در اینجا هم بجای  
 محکمه اگر مدعی الموم گذارده شود بهتر است

امارات قریه موجود شد مدعی الموم باید مکلف باشد  
 به اقامه دعوی نه اینکه میل داشته باشد بکند میل داشته  
 باشد نکند مفاد ماده این است

**رئیس** - آقایانیکه باماده  
**جمشیدی** - اجازه میفرمائید. آن اصلاحی که  
 فرمودند کلمه اداری برداشته شود موافقت شد با خبر چون  
 خیلی مهم است

**وزیر عدلیه** - بلی کلمه اداری را بردارید

**رئیس** - آقای محترم  
**مخبر** - بنده عقیده ام این است که بآن اصلاحی که  
 فرمود که بجای محکمه مدعی الموم باشد و مطابق  
 مقررات رفتار کنند البته مقتضی است که کلمه (بطلز  
 اداری) برداشته شود و از این جهت بنده موافقم

**رئیس** - آقایانیکه باماده ۱۱۸۶ موافقت دارند باین  
 اصلاحی که شد برخیزند

(اکثر امیندگان برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده ۱۱۸۷  
 ماده ۱۱۸۷ - هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات  
 دیگری نمی تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او  
 میباشد وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگاهداری  
 و تربیت آنها مواظبت کرده و احوال آنها را اداره نماید

**رئیس** - پیشنهادی در این خصوص از آقای اورنگ  
 رسیده است:

ماده ذیل را بجای ماده ۱۱۸۷ پیشنهاد میکنم  
 هرگاه ولی قهری منحصر بر اسطه غیبت با حبس بهر  
 علتی که باشد نتواند با امور مولی علیه رسیدگی کند کسی  
 را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم بکفر امین به  
 پیشنهاد مدعی الموم برای تصدیق اداره احوال مولی علیه  
 وسایر امور راجعه بار وقتاً معین خواهد کرد

**رئیس** - آقای اورنگ  
**اورنگ** - ماده را که بنده پیشنهاد کردم قائم مقام  
 لفظ رعد ۱۱۸۷ است نه قالم خود ماده حذف اورا

پیشنهاد میکنم فقط این ماده را باین عدد در اینجا پیشنهاد  
 میکنم که ماده بعدی ۱۱۸۸ بشود آقای وزیر عدلیه هم  
 موافقت.

**وزیر عدلیه** - در حقیقت پیشنهاد اضافه يك ماده  
 است اضافه شود خوب هم هست بنده هم موافقم

**رئیس** - ماده الحاقیه است نسبت این است که  
 تشخیص فرموده اید جایش اینجا است حالا رای بگیریم  
 و میگذاریم در آخر این مواد و نمرات را هم بعد تصویب  
 میکنیم. (صحیح است) آقایانیکه باماده ۱۱۸۷ موافقت  
 دارند برخیزند

(اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده ۱۱۸۸:  
 ماده ۱۱۸۸ - هیچک از پدر و جد پدری نمی تواند  
 با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند.

**رئیس** - آقایانیکه باماده ۱۱۸۸ موافقت دارند  
 برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۹  
 ماده ۱۱۸۹ - ممکن است پدر یا جد پدری بکسی که  
 نسبت وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد فوت  
 خود برای مولی علیه بدهد

**رئیس** - آقایانیکه موافقت برخیزند (جمع کثیری  
 برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۹۰:  
 ماده ۱۱۹۰ - اگر وصی منسوب از طرف ولی قهری  
 به نگاهداری یا تربیت مولی علیه و یا اداره امور او اقدام  
 نکند یا امتناع از انجام وظائف خود نماید منزل میبود

**رئیس** - آقای دیبا  
**طباطبالی دیبا** - اینجا نسبت بوصیت ترتیبی معین شده  
 بنده کمالدقت کردم نسبت بولی قهری هم نظیر این مطلب  
 پیش بینی نشده اگر ولی قهری هم راجع بنگاهداری یا  
 تربیت مولی علیه یا اداره امور او اقدام نکند یا خیر  
 استفا داد ولی قهری است ولی استعفا میدهد از اداره  
 کردن احوال مولی علیه خود در این صورت تکلیف محکمه  
 چیست بنده عقیده ام این بود که در اینجا ضمیمه شود که

در صورت استعفاى ولي قهرى با عدم اقدامش ضم امين شود بهتر است  
 وزير عدليه - استعفا كه معنى ندارد زيرا مثل كسى نيست كه از خدمت استعفا كند اسم اين استنكاف و عمل نكردن است استنكاف و عمل نكردن هم خيانت است و او هم تكليفش در ماه ۱۱۸۴ گذشت اگر خيانت كند باو ضم امين ميشود  
 رئيس - آقاىانيكه با ماده ۱۱۹۰ موافقت دارند برخيزند (اغلب برخاستند)  
 رئيس - تصويب شد . ماده ۱۱۹۱ :  
 ماده ۱۱۹۱ - ولي مسلم نميتواند براى مولى عليه خود وصى غير مسلم معين كند  
 رئيس - اشكالى نيست . آقاىانيكه با ماده ۱۱۹۱ موافقت دارند برخيزند (اکثر برخاستند)  
 رئيس - تصويب شد . ماده ۱۱۹۲ .  
 ماده ۱۱۹۲ - همينكه طفل كبير و رشيد شد از تحت ولايت خارج ميشود و اگر بعدا سفيد يا مجنون شود قيمى براى او معين ميشود .  
 رئيس - نظرى نيست آقاىانيكه موافقت دارند برخيزند (عده كثيرى برخاستند) تصويب شد . ماده ۱۱۹۳  
 ماده ۱۱۹۳ - پدر و جد پدرى و وصى منسوب از طرف يكى از آنان ولي خاص طفل ناميده ميشود  
 رئيس - اشكالى نيست . آقاىانيكه با ماده ۱۱۹۳ موافقت دارند قيام فرمايند .  
 (اکثر قيام نمودند)  
 رئيس - تصويب شد . ماده ۱۱۹۴ قرائت ميشود  
 كتاب نهم - در خانواده  
 فصل اول - در الزام باففاق  
 ماده ۱۱۹۴ - احكام نفقه زوجه همان است كه بموجب فصل هشتم از باب اول از كتاب هفتم مقرر شده و برطبق همين فصل مقرر ميشود

رئيس - نظرى نيست ؛ آقاىانيكه موافقت دارند برخيزند (عده زيادى برخاستند) تصويب شد . ماده ۱۱۹۵  
 ماده ۱۱۹۵ - در روابط بين اقارب فقط اقرب نسبى در خط عمودى اعم از عمودى با نزولى ملزم باففاق بگديگرند .  
 رئيس - اشكالى نيست ؟ (كفته شد - خير) آقاىانيكه با ماده ۱۱۹۵ موافقت دارند برخيزند (عده زيادى برخاستند)  
 رئيس - تصويب شد . ماده ۱۱۹۶  
 ماده ۱۱۹۶ - كسى مستحق نفقه است كه نदार بوده و بتواند بوسيله اشتغال بشغلي وسائل معيشت خود را فراهم سازد  
 رئيس - آقاىانيكه موافقت دارند برخيزند (اکثر برخاستند) تصويب شد . ماده ۱۱۹۸  
 ماده ۱۱۹۸ - كسى ملزم باففاق است كه نممكن از دادن نفقه باشد يعنى بتواند نفقه بدهد بدون اينكه از اين حيث در وضع معيشت خود دچار مضيقه گردد . براى تشخيص نممكن بايد كليات تهيدات و وضع زندگاني شخصى او در جامعه در نظر گرفته شود .  
 رئيس - آقاىانيكه موافقت دارند برخيزند (اغلب برخاستند) تصويب شد ماده ۱۱۹۷ .  
 ماده ۱۱۹۷ - نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر يا عدم قدرت او باففاق بعهده اجداد پدرى است با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدرى و با عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است .  
 هرگاه مادر هم زنده و يا قادر باففاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب بعهده اجداد و جدات مادري و جدات پدرى واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حيث درجه افرينيت مساوى باشند نفقه را بايد بحصه متساوى تأديه كنند .  
 رئيس - آقاىانيكه با ماده ۱۱۹۸ موافقت دارند برخيزند .  
 (اکثر برخاستند)

رئيس - تصويب شد . ماده ۱۱۹۹ :  
 ماده ۱۱۹۹ - نفقه ابوين يا رعایت الاقرب فالاقرب بعهده اولاد و اولاد اولاد است  
 رئيس - نظرى نيست آقاىانيكه با ماده ۱۱۹۹ موافقت دارند برخيزند  
 (غالب نمايندگان برخاستند)  
 رئيس تصويب شد . ماده ۱۲۰۰ :  
 ماده ۱۲۰۰ - هرگاه بگديگر هم در خط عمودى عمودى و هم در خط عمودى نزولى اقارب داشته باشد كه از حيث الزام باففاق در درجه مساوى هستند نفقه او را بايد اقارب مزبور بحصه متساوى تأديه كنند بجز اين اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را بايد پدر و اولاد متساوياً تأديه كنند بدون اينكه مادر سهمى بدهد و همچنين اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را بايد مادر و اولاد متساوياً بدهند .  
 رئيس - آقاىانيكه با ماده ۱۲۰۰ موافقت دارند برخيزند (اکثر نمايندگان برخاستند) تصويب شد ماده ۱۲۰۱  
 ماده ۱۲۰۱ - اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق نتواند همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودى نزولى مقدم بر اقارب در خط عمودى عمودى خواهند بود .  
 رئيس - آقاى روى  
 روى - عرض كتم اينجا يك اصلاح عبارتى لازم دارد ميتويسد اگر نتواند همه آنها را بدهد بايد نوشته شود مخارج همه آنها را يا نفقه همه آنها را بدهد و الا بطور مطلق معنى ندارد .  
 وزير عدليه - اشكال ندارد نفقه اضافه شود .  
 مخبر - بنده هم موافقم  
 رئيس - آقاىانيكه با ماده ۱۲۰۱ با اصلاحى كه شد موافقت دارند برخيزند  
 (اکثر نمايندگان برخاستند)  
 رئيس - تصويب شد . ماده ۱۲۰۲ :  
 ماده ۱۲۰۲ - در صورت بودن زوجه و يك با

چند نفر واجب النفقه ديگر زوجه مقدم بر سايرين خواهد بود .  
 رئيس - آقاىانيكه موافقت دارند برخيزند (غالب آقاىان برخاستند)  
 رئيس - تصويب شد ماده ۱۲۰۳ :  
 ماده ۱۲۰۳ - نفقه اقارب عبارت است از مسكن و اليسه و غذا و اثاث البيت بقدر دفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق .  
 رئيس - اشكالى نيست . آقاىانيكه با ماده ۱۲۰۳ موافقت دارند برخيزند  
 (اغلب نمايندگان برخاستند)  
 رئيس - تصويب شد . ماده ۱۲۰۴ :  
 ماده ۱۲۰۴ - واجب النفقه اعم از زوجه و اقارب ميتواند براى مطالبه نفقه خود بمحكمة رجوع كند .  
 رئيس - آقاىانيكه با ماده ۱۲۰۴ موافقت دارند برخيزند (عده زيادى قيام نمودند) تصويب شد . ماده ۱۲۰۵  
 ماده ۱۲۰۵ - زوجه در هر حال ميتواند براى نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوى نمايد و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس يا ورشكستگى شوهر زن مقدم بر غيرا خواهد بود ولي اقارب فقط نسبت بآنچه ميتوانند مطالبه نفقه نمايند .  
 رئيس - آقاىانيكه با ماده ۱۲۰۵ موافقت دارند قيام فرمايند .  
 (اغلب برخاستند)  
 رئيس - تصويب شد ماده الحاقية پيشنهادى آقاى اورنگ  
 آقاى وزير عدليه موافقت با پيشنهاد ؟  
 وزير عدليه - بلى بلى  
 رئيس - آقاى مخبر هم موافقت  
 مخبر - بلى  
 ميرزاى - بگديگر ديگر قرائت شود :  
 (مجدداً بشرح سابق قرائت شد)



رئیس - آقای وزیر عدلیه موافقتند

وزیر عدلیه - در حقیقت این ماده از نقطه نظر آن مطلبی است که پربروز آقای مؤید احمدی تذکر دادند که برای کسانی که حبس میشوند و ولی قهری هستند چه باید کرد و نسبت به ولی علیه اینجای رعایت شده است بهر وسیله که تواند باموره ولی علیه رسیدگی کند اعم از حبس یا غیر حبس حبس هم بهر علتی باشد ممکن است محکوم بجنحه و جنایت شده باشد ده سال حبس شده باشد یا بجرم سیاسی محکوم شده باشد بهر علت که باشد مقصود اینست که وقتی تواند بامور ولی علیه رسیدگی کند علاجی باشد

رئیس - آقای افسر

افسر - يك اصلاح عبارتی لازم دارد یعنی اینطور باید باشد بهر علتی که تواند اینجا می نویسد بهر علتی که باشد وزیر عدلیه - مقصود این است با حبس بهر علتی که باشد

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - یا حبس بهر علتی که باشد و او در اثر این نتواند رسیدگی بکند ممکن است بعد از ( باشد ) يك لفظ ( که ) اضافه بفرمائید درست میشود

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - اینجا اشکالی بنظر بنده میرسد آن این است که حقیقتاً ولی قهری که در حبس است متنوع می شود از تصرف در اموال صغیر و بدون اطلاع او مدعی العموم می آید يك قیسی معین میکند اگر اینطور باشد صحیح نیست چون خودش نمیتواند رسیدگی بکند ممکن است قائم مقام قانونی برای خودش معین کند بدون نظر و اطلاع او ظاهراً قییم معین کردن صحیح نباشد

مخبر - بنده تصور میکنم دقت نظر فرموده اند این در صورتی است که کسی را معین نکرده باشد ( دیبا - بلکه بعد معین کنند ) اگر معین کنند که مشمول این نمیشود در صورتی که کسی را معین نکرده و محبوس است از این جهت می آیند و بکنفر معین می کنند اما از آقای اورنگ

ماده واحده - اداره کل فلاحات مجاز است سه نفر متخصص بیطاری و بکنفر معلم فلاحات از اتباع خارجه که ولایت آنها را هیئت وزراء تعیین خواهد نمود برای مدت سه سال استخدام نماید . میزان حقوق سالیانه متخصص مزبور از سه هزار و پانصد پهاوی طلا و خرج ایاب و ذهاب از ششصد پهاوی طلا بایستی تجاوز نماید . سایر شرایط استخدامی مستخدمین مزبوره از حیث مرخصی بالاستفاده از حقوق و تأدیة فوق العاده اعانه و خرج مسافرت در داخله و تنهد و پرداخت حقوق آنها به پولهای مختلف و تهیه منزل برای هر يك از متخصصین علاوه بر حقوق و خرج سفر مذکور در فوق بر طبق پیشنهاد اداره کل فلاحات و تصویب هیئت وزراء خواهد بود

تیسره - اختیاراتی که در قسمت اخیر ماده واحده فوق تصریح شده و همچنین نوع پول رایج به حقوق و خرج سفر مشمول قانون مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ از تاریخ تصویب قانون مزبور خواهد بود

رئیس - اولاً آقایان اجازه می فرمایند چون معهود است این گونه امور قبلاً در فراکسیون صحبت شود حالا البته آقای رئیس فلاحات مرا متذکر کردند که چون اوقات خیلی تنگ است این نشریقات در مقابل این لایحه رعایت نشود و اگر اجازه بفرمائید همین جا مطرح شود ( صحیح است ) فوریت مطرح است . آقای افسر

افسر - در فوریت عرضی ندارم در ماده است

رئیس - آقای دیبا

دیبا - در ماده عرض دارم

رئیس - آقایانی که با فوریت داده موافقت قیام فرمایند

( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده واحده مطرح است .

آقای افسر

افسر - اولاً خواستم سؤال کنم از عملیاتی که بفرنگستان فرستاده اند پیش بینی شده و هستند اشخاصی که

بتوانند برگردند و محتاج باشیم با استخدام خارجی یا خبر و آنکهی در ولایتش آنچه بنده خاطر ام است گویا به موجب قانون آبان ۳۰۹ ولایتش باید در مجلس تصویب شود و کمیسیون امور خارجه رای بدهد باید مراجعه بکنید بآن قانون تا باشکال برنخورید

رئیس کل فلاحات - البته ما این خود شاگردانی که از دانشکده فلاحات بیطاری بیرون می آیند با شاگردانی که بفرنگستان میروند همیشه سعی می کنیم معلومی که لازم داریم تربیت کنیم البته دانشکده فلاحات بایکنفر یا دونفر معلم خارجی که آموزش نمیکند غالب معلمین ایرانی هستند و شاگردهای تحصیل کرده خیلی خوب هستند . اما راجع به ولایت که آفانده بودند بنظر بنده اشکالی ندارد چون در قانون بودجه هم همینطور پیش بینی شده است چه در قانون بودجه ۱۳۱۴ و چه در قانون ۱۳۱۳ و البته این اشکالات سابق بود که می خواستند به بینند چه مالتی است و از کجا است . حالاهم اگر ما بخواهیم يك ملکتی را اسم ببریم البته مقتضی نیست هر جا را دیدیم بهتر بود و برای مدرسه شرایطش مناسب تر بود البته قبول میکنیم

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده عقیده ام این است که جواب آقای رئیس کل فلاحات راجع باشکال آقای افسر حقیقتاً مقتضی نبود . قانون سریع از مجلس گذشته است که در مستخدمین خارجی باید سه مسئله بتصویب سریع مجلس برسد یکی ولایت است یکی حقوق است یکی مدت است باین ترتیب بهیئت وزراء اجازه داده میشود ولو اینکه حالا مطالب فوریت دارد و چون مطلب فوریت داشته و ولایت معین نشده آورده اند ولی به عقیده بنده این سابقه خوب نیست باید ولایت مستخدمین خارجی در مجلس تصویب شود یعنی کمیسیون امور خارجه تصویب کنند بعد هم در مجلس تصویب شود

رئیس کل فلاحات - این اشکال گمان نمیکنم وارد باشد چون ملاحظه بفرمائید قانون بودجه ۱۳۱۳ را

خود این مجلس رای داده و ۱۴ رأی دادند و همین ماده درش هست البته اگر يك اشكال قانونی داشت رای نمیدادند.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - آقای رئیس فلاحت این تبصره را توضیح بفرمایند. تبصره را بخوانید گمان میکنم سایر آقایان هم متذکر نباشند.

رئیس کل فلاحت - این تبصره راجع بیک قانونی است که تصریح شده راجع بمسئول و کفن يك بیطار دیگری است که الان مدت مرخصی او است و خرج سفر او پیش بینی نشده است باوزارت مالیه صحبت کردیم گفتند محتاج نیست ممکن است همان خرج مسافرت را مطابق نظامنامه پرداخت کنند و مدت مرخصی هم در نظامنامه ها پیش بینی شده ولی حالا يك اشکالی پیش آمده در دیوان محاسبات باین نظر این تبصره را پیشنهاد کردیم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - البته بااصل موضوع که لزوم استخدام چند نفر معلم است که اداره فلاحت لازم داشته اند کسی مخالفی ندارد ولی در طرز تنظیم لایحه بعقیده بنده محتاج بیک اصلاحاتی است از دو نقطه نظر اول همان موضوع ملیت مستخدم خارجی است ممکن است که چند دولت را اسم ببرند انتخاب بکنند و یا بهیئت دولت واگذار کنند این سابقه دارد در مجلس و اصلاح تعیین ملیت مستخدم خارجی نباید در غیر از مجلس بشود یکی هم برای استخدام مستخدمین خارجی چهار چیز است که باید مطابق قانون ۲۳ مقررات تصویب مجلس برسد. یکی آن قسمت مالی یکی سمت و یکی مدت و یکی هم ملیت در قسمت مالیت فقط حقوقش را نوشته اند ولی باقی مخارج آن را بتصویب هیئت دولت گذاشته این هم خارج از موازین قانونی است بنظر بنده همه اینها را میشود اصلاح کرد یعنی يك اعتباری را معین کنند و در حدود آن اعتبار هر چه صرفه جویی شد حساب بکنند خوب است موافقت کنند که این

تذکرات ما این بود که دفع اشکال قانونی بشود و ممکن است چندت مملکت را پیدا کنید اسم ببرید فرقی ندارد از هر جا که باشد مقصود این است که اصل محفوظ مانده باشد آوقت اختیارش باخودشان است در سایر فروع هم ملاحظه که فرمودید پیشنهاد بکنید ماقبول میکنیم و آوقت بدون اشکال رای میدهیم مقصود این است که تنقض در قوانین نباشد

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - عرض بنده این بود که از طرف آقای رئیس فلاحت ملیت اینها ذکر بشود که دفع اشکال بشود و رای بدهیم.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در تبصره و عبارات يك اشکالی داشتم که پیشنهادی کردم

مؤید احمدی - پیشنهاد فرموده اند که اداره کل فلاحت مجاز است سه نفر متخصص بیطارری و يك نفر معلم فلاحت از مالک خارج فرانه آلمان و اطریش بلژیک استخدام کنند تشخیص ملیت آنها را که از کدام اینها باشد به هیئت وزراء واگذار کنند

السر - آن را دیگر مختارند

رئیس - بالاخره موضوع ملیت معلوم شد و آن را درست میکنیم. در قسمت مالی مطالب چه شد؟

دکتر طاهری - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - أهم برای اینکه رعایت آن قانون شده باشد و باعتبار معین تصویب شده باشد موافقت دارند آخر ماده نوشته شود که از بابت سه هزار و پانصد بهلوی محسوب میشود یعنی همان مبلغ که تصویب میشود سایر مخارج هم از آن بابت محسوب شود

رئیس ( خطاب به آقای رئیس کل فلاحت ) - این پیشنهاد را هم میخوانیم بعد بمجلس را میفرستیم پائین درست بکنید.

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم تبصره بطریق ذیل اصلاح شود تبصره - اختیاراتی که در قسمت اخیر ماده واحده فوق تصریح شده و همچنین نوع پول راجع بحقوق و خرج سفر شامل موضوع قانون مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ از تاریخ تصویب آن قانون خواهد بود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بطوری که آقای اعتبار هم بعرض رسانند عبارت این تبصره خیلی بد تنظیم شده است و مفصودی را که آقای رئیس فلاحت دارند نمیرساند برای اینکه کاملاً مطالب معلوم بشود و اشکالی در عبارت نباشد بنده اینطور پیشنهاد کردم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - توضیحی را که آقای رئیس فلاحت دادند این است که این اختیاراتی که ذیل این ماده هست مشمول قانون مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ است از تاریخ تصویب قانون مزبور یعنی چه این را که این قانون حلال دارد میکذرد و این اختیارات نسبت باین سه نفر است که بعداً استخدام میشود آوقت چطور این مشمول مواد قانون مصوب ۱۷ مرداد از تاریخ تصویب آن که ۱۷ مرداد است میشود یعنی چه. خوب است این را توضیح بدهند که معلوم شود چیست

رئیس کل فلاحت - این قانونی که سابقاً گذشته در آنجا راجع مدت مرخصی و حقوقی که بابت فوق العاده و خرج سفر باید بدهند درست پیش بینی نشده و از این نظر پیش بینی نشده که گفتیم هر مستخدمی بموجب قانون يك ماه مرخصی دارد بنابراین ما میتوانیم در کترات چون این قانون بطور کلی است بگماه بنویسیم این مذاکره با مالیه شده است و موافقت کردند ولی بعد دیوان محاسبات اشکال کرد گفته اند که این بگماه مرخصی را هم باید مجلس تصویب کرده باشد و همینطور خرج سفری که باید باور داده شود باید بتصویب مجلس برسد بنابراین

اینطور پیش بینی شد که در این لایحه این تصریح گذاشته شود و رفع اشکال بشود.

**رئیس** ( خطاب به آقای رئیس کل فلاح ) - آقای بالاخرم باید این قانون را درست کرد آن را فرستادم پیش خود آنها خودتان موافقت بکنید و درست بکنید.

**رئیس** - با اصلاحات فراتر میشود

**ماده واحد** - اداره کل فلاح مجاز است سه نفر منحصس ببطاری و یک نفر مدام فلاح از اتباع مالک فرانسه آلمان اطریش ایتالیا بلژیک بتشخیص هیئت وزراء برای مدت سه سال استخدام نماید. میزان حقوق سالیانه و خرج سفر در داخله بتخصمین مزبور از ۳۵۰۰ پهلوی طلا و خرج ایاب و ذهاب از ۶۰۰ پهلوی طلا بابتی تجاوز نماید سایر شرایط استخدامی بتخصمین مزبور از حیث مرخص با استفاده حقوق و با دیده حقوق الماده اعانه و خرج مسافرت در داخله و نمود پرداخت حقوق آنها و پولهای مختلف و نهی منزل برای جریک از منحصمین علاوه بر حقوق و خرج سفر مذکور در فوق در حدود اعتبار منظور بر طبق پیشنهاد اداره کل فلاح و تصویب هیئت وزراء خواهد بود

**تیسره** - اختیاراتی که در قسمت اخیر ماده موجوده فوق تصریح شده و همچنین نوع پول راجع به حقوق خرج نیز شامل قانون مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ نیز از تاریخ تصویب قانون مزبور خواهد بود.

**رئیس** - آقای دیبا

**دیبا** - البته با این اصلاحی که شد صحیح است ولی بنده عقیده ام این است که ظاهر عبارت این است که از تمام این مالک آنها استخدام میشوند. یک یا ۲ اگر باشد بهتر است از فرانسه یا از آلمان یا از ایتالیا و غیره

**رئیس** - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - اینکه نوشته شده است بتشخیص هیئت دولت معنایش این است که از هر جا که بخواهند ممکن است یکی در قاضی را از یکجا بکنند را از یکجا مانع ندارد. اگر ۲ یا ۱ بگویند مثل این است که هر چهار تا را باید از یکجا استخدام بکنند پس اینطور که نوشته شده جامع تر است.

**رئیس** ( خطاب به آقای احتشام زاده ) - پیشنهاد خودتون را

**احتشام زاده** - بل

**رئیس** - آقایانیکه با این قانون موافقت دارند در وقت

خواهند داد

( اخذ آراء بعد از آمدن ۶۷ ورقه - نوبت شماره شد )

**رئیس** - عدد حاضر ۸۶ با اکثریت ۶۷ رأی تصویب شد

( ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه )

**رئیس** - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم ( صحیح است )

جلسه آینده فردا سه ساعت قبل از ظهر

( مجلس نوبت ساعت بعد از ظهر ختم ۴۵ )

# قانون مدنی

## کتاب هشتم - در اولاد

### باب اول - در نسب

**ماده ۱۱۵۸** - طفل متولد در زمان زوجیت و ملحق بشوهر است بشرط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از ششماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.

**ماده ۱۱۵۹** - هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق بشوهر است بشرط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از ششماه و بابتش از ده ماه گذشته باشد.

**ماده ۱۱۶۰** - در صورتیکه عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل بشوهری ملحق میشود که مطابق مواد قبل الحاق او بآن شوهر ممکن است در صورتیکه مطابق مواد قبل الحاق طفل به شوهر ممکن باشد طفل ملحق بشوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعی بر خلاف آن دلالت کند.

**ماده ۱۱۶۱** - در مورد مواد قبل هر گاه شوهر صریحاً یا ضمنی اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی واد از او به موجب نخواهد بود.

**ماده ۱۱۶۲** - در مورد مواد قبل دعوی نفی واد باید در مدتیکه عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان آگاهی دعوی کافی میباشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضای دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل به موجب نخواهد بود.

**ماده ۱۱۶۳** - در موردیکه شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشخص نبوده باشند بنوعی که موجب الحاق طفل با او باشد و بعد ها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو عام از تاریخ کشف خدعه خواهد بود.

**ماده ۱۱۶۴** - احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است اگر چه مادر طفل به شبهه نباشد.

**ماده ۱۱۶۵** - طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق بهر نفی واد است که در اشتباه بوده و در صورتیکه هر دو در اشتباه بوده اند ملحق بهر دو خواهد بود.

**ماده ۱۱۶۶** - هر گاه بواسطه وجود مانعی نکاح بین ابویین طفل باطل باشد نسب طفل بهر يك از ابویین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت بدیگری نام مشروع خواهد بود.

در صورت جهل هر دو نسب طفل نسبت بهر دو مشروع است.

**ماده ۱۱۶۷** - طفل متولد از زنا ملحق به زنان نمیشود.

### باب دوم

### در نگاهداری و تربیت اطفال

**ماده ۱۱۶۸** - نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است

رئیس اسامی رؤی دهندگان - آقایان : نژادی - سلطانی - احتشام زاده - کشف - بیات ماکو - انصار - میرزا موسی خان سرآت مؤید تواری - مغیر لرهنند - دکتر لقمان نورادی - نواب زده - دهنانی - دکتر ملک زاده - بیات - جیدی - میرزا پاس طباطبائی دیا - دکتر طاهری - کلبائی - قنوجی - انبال - انسر - بقوانی - اورنگ - داور - مرآت استنباطی - عدالت دکتر بهرامی - کمالی - طالش خان - بهرادی غراغانی - امیر ابراهیمی - دکتر احتشام - نوبخت - بهصم سنگ - دکتر شیخ حسنعلی میرزا دولتشاهی - ملک مدنی - یارسا - بقاری - محسن آقا مهدوی - حبیبی - علوی سیزواری - تقی الاسلامی - دکتر سنگ حاج تقی آقا و مایزاده - میرزا علی خان وکیل - مزدهی - دبیر سهرابی - پشمی - مجد ضیائی - میرزائی - سهرابخان ساگینیان سید کاشمیر زدی - لاریجانی - انصاری - جرجانی - رهبری - دیوانی - موم - مصطفی - دهنستانی - دکتر حبیبی - شریفی - انصاری - هزار جویی - طباطبائی بروجردی

ماده ۱۱۶۶ - برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت با طفل آنک که تا سال هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود  
ماده ۱۱۶۷ - اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلابه جنون شود یا بادیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود

ماده ۱۱۶۸ - در صورت فوت یکی از ارباب حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند از طرف پدر طفل بوده و برای او ایم تعیین کرده باشد

ماده ۱۱۶۹ - هیچکس از ارباب حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به آنها است از نگاهداری او امتناع کنند در صورت امتناع یکی از اربابین حاکم باید بتقاضای دیگری بتقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا بتقاضای مدعی العموم نگاهداری طفل را بزرگ از اربابین که حضانت بعهده اوست الزام کند و در صورتیکه الزام ممکن باشد مؤثر باشد حضانت را بخرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد بخرج مادر تعیین کند

ماده ۱۱۷۰ - هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می تواند بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند

ماده ۱۱۷۱ - در صورتیکه بعلت طلاق یا بهر جهت دیگر اربابین طفل در يك منزل سکونت نداشته باشد هر يك از اربابین که طفل تحت حضانت او میباشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزایات مربوطه بآن در صورت اختلاف بین اربابین با محکمه است

ماده ۱۱۷۲ - طفل را نمیتوان از اربابین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی

ماده ۱۱۷۳ - مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتیکه تقذیه طفل بغير شیر مادر ممکن باشد

ماده ۱۱۷۴ - طفل باید مطیع اربابین خود بوده و در هر سنی که باشد باید بآنها احترام کند

ماده ۱۱۷۵ - اربابین مکلف هستند که در حدود توانایی خود بتربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را همل بگذارند

ماده ۱۱۷۶ - اربابین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی باستناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند

باب سوم

در ولایت فهری پدر و جد پدری

ماده ۱۱۸۰ - طفل صغیر تحت ولایت فهری پدر و جد پدری خود میباشد و هم چنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتیکه عدم رشد یا جنون او منحل به صغر باشد

ماده ۱۱۸۱ - هر يك از پدر و جد پدری نسبت با اولاد خود ولایت دارند

ماده ۱۱۸۲ - هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آنها مجبور یا بهائی متفرع از تصرف در اموال مولى عليه گردد ولایت قانونی او ساقط میشود

ماده ۱۱۸۳ - در کلیه امور مربوطه با اموال و حقوقی مالی مولى عليه ولی نماینده قانونی او میباشد

ماده ۱۱۸۴ - هرگاه ولی فهری طفل ایفای اداره کردن اموال مولى عليه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او مرتکب جنف و میل گردد محکمه مکلف است به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای مدعی العموم بابت از ثبوت عدم ایفای و خیانت او در اموال مولى عليه بملزمت مدعی العموم طبق ماده ۷۹ این قانون حاکم يك نفر ارباب مولى منضم میکند همین حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل بواسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر باداره کردن اموال مولى عليه نباشد

ماده ۱۱۸۵ - هرگاه ولی فهری طفل مجبور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم فیهی برای طفل تعیین کند

ماده ۱۱۸۶ - در مواردی که برای عدم امانت ولی فهری نسبت بدارائی طفل امارات فویه وجود باشد مدعی العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی بعمایات او را بخواهد محکمه در این مورد رسیدگی کرده در صورتیکه عدم امانت او معلوم شد مطابق ماده ۱۱۸۴ رفتار مینماید

ماده ۱۱۸۷ - هرگاه ولی فهری بواسطه غیبت یا حبس بهر علتی که باشد نتواند بامور مولى عليه رسیدگی کند کسی را هم از طرف خود تعیین نکرده باشد حاکم بکنفرامین به پیشنهاد مدعی العموم برای تصدی و اداره اموال مولى عليه و سایر امور راجعه باو وقتاً تعیین خواهد کرد

ماده ۱۱۸۸ - هر يك از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری میتواند برای اولاد خود که تحت ولایت او میباشد وصی تعیین کند تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید

ماده ۱۱۸۹ - هیچکس از پدر و جد پدری نمیتواند با حیات دیگری برای مولى عليه خود وصی تعیین کند

ماده ۱۱۹۰ - ممکن است پدر یا جد پدری بکسی که بهت وصایت تعیین کرده اختیار تعیین وصی بعد فوت خود برای مولى عليه بدهد

ماده ۱۱۹۱ - اگر وصی منسوب از طرف ولی فهری به نگاهداری یا تربیت مولى عليه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظائف خود نماید منزل میشود

ماده ۱۱۹۲ - ولی مصلح نمی تواند برای مولى عليه خود وصی غیر مصلح تعیین کند

ماده ۱۱۹۳ - همین که طفل کبر ورشید شد از تحت ولایت خارج می شود و اگر بعداً سیه یا مجنون شود قیمی برای او تعیین میشود

ماده ۱۱۹۴ - پدر و جد پدری وصی منسوب از طرف یکی از آندان ولی خاص طفل نامیده میشود

کتاب نهم - در خانواده

فصل اول - در الزام به انفاق

ماده ۱۱۹۵ - احکام نفقه زوجه همان است که بموجب فصل هشتم از باب اول از کتذب هفتم مقرر شده و بر طبق همین فصل مقرر میشود

ماده ۱۱۹۶ - در روابط بین اقرب فقط اقرب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم بانفاق یکدیگرند

ماده ۱۱۹۲ - کسی مستحق نفقه است که نادر بوده و نتواند بوسیله اشتغال به شغل وسائل معیشت خود را فراهم سازد

ماده ۱۱۹۸ - کسی ملزم بافاق است که منمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضایقه گردد. برای تشخیص ممکن باید کلیه تمهیدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود

ماده ۱۱۹۹ - نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او یا بافاق بعهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت بودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر بافاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب بعهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند نفقه را باید بحصه متساوی تأدیه کنند.

ماده ۱۲۰۰ - نفقه ابرین با رعایت الاقرب فالاقرب بعهده اولاد و اولاد اولاد است

ماده ۱۲۰۱ - هرگاه بکنفر هم در خط عهودی صمودی و هم در خط عهودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام بافقالی در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور بحصه متساوی تأدیه کنند بنابراین این اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافضل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافضل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساویاً بدهند.

ماده ۱۲۰۲ - اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عهودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عهودی صمودی خواهند بود.

ماده ۱۲۰۳ - در صورت بودن زوجه و يك یا چند نفر واجب النفقه دیگر زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود

ماده ۱۲۰۴ - نفقه اقارب عبارتست از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت بقدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

ماده ۱۲۰۵ - واجب النفقه اعم از زوجه و اقارب میتواند برای مطالبه نفقه خود به محکمه رجوع کند

ماده ۱۲۰۶ - زوجه در هر حال میتواند برای نفقه زنانب گذشته خود اقدام دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طالب ممتاز بوده و در صورت افلاس باور شکستگی شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت بآئیه میتوانند مطالبه نفقه نمایند.

این قانون که مشتمل بر چهارم و نه ماده است در جلسه ۱۹ فروردین ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

### اجازه استخدام چهار نفر متخصص برای تدریس در دانشکده های بطاری و فلاحی

ماده واحده - اداره کل فلاحت مجاز است سه نفر متخصص بطاری و يك نفر معلم فلاحت از اتباع ممالک ایران - آلمان اتریش - ایتالیا - بلژیک به تشخیص هیئت وزراء برای مدت سه سال استخدام نماید.

میزان حقوق سالیانه و خرج سفر در داخله متخصصین مزبور از سه هزار و پانصد پهلوی طلا و خرج ایاب و ذهاب از شصت پهلوی طلا بایستی تجاوز نماید.

سایر شرایط استخدام مستخدمین مزبور از حیث مرخصی با استفاده حقوق و آئیه فونالداده اعانت و خرج مسافرت در داخله و تمهید و پرداخت حقوق آنها به پولهای مختلف و تهیه منزل برای هر يك از متخصصین علاوه بر حقوق و خرج سفر مفکور در فوق در حدود اعتبار منظور، بر طبق پیشنهاد اداره کل فلاحت و تصویب هیئت وزراء خواهد بود.

تبصره - اختیاراتی که در قسمت اخیر ماده واحده فوق تصریح شده و همچنین نوع پول راجع به حقوق و خرج سفر شامل قانون مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۱۴ نیز از تاریخ تصویب قانون مزبور خواهد بود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه نوزدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر